

The Role of Corruption Control in the Impact of Government Expenditure on Economic Growth (A Case Study: Selected OPEC Member Countries)

Maryam Gahramzehi¹

Gholamreza Zamanian²

Marziyeh Esfandiari³

zamanian@eco.usb.ac.ir

m.esfandiari@eco.usb.ac.ir

Received: 05/Jun/2024 | Accepted: 09/Nov/2024

Abstract The impact of government expenditure on economic growth has long been a critical factor in managing a country's economic policies to achieve desirable and sustainable growth. Corruption is a prevalent issue in countries with large government sectors, often undermining economic efficiency. Given the role of natural resources in fostering corruption and rent-seeking behavior, controlling corruption is essential for selected OPEC member countries, particularly in assessing the impact of government expenditure on economic growth in these nations. Therefore, this study aims to examine the role of corruption control in moderating the relationship between government expenditure and economic growth in selected OPEC member countries during the period 2002–2022. Using annual data, the study employs the Generalized Method of Moments (GMM) and the Threshold Model proposed by Hansen (1999). The findings reveal that government expenditure has a nonlinear effect on economic growth, indicating the presence of a threshold for corruption control at a statistically significant level of 95%, with a value of -1.4622. The results suggest that when the corruption control index (CC) is below the threshold level, government expenditure positively influences economic growth. However, when the CC index surpasses the threshold, government expenditure negatively affects economic growth. Given the corruption control index levels in selected OPEC member countries and the study's findings, the implementation of expansionary fiscal policies by governments is not recommended. Theoretically, these results align with the "grease the wheels" hypothesis.

Keywords: Economic Growth, Government Final Consumption Expenditure, Corruption Control, Generalized Method of Moments (GMM), Panel Smooth Transition Regression (PStR).

JEL Classification: K32, F18, C23, O13.

1. M.A. in Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author).

بررسی نقش کنترل فساد در تأثیر گذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو اوپک)

مریم گهرام زهی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان،
زاهدان، ایران.

zamanian@eco.usb.ac.ir

غلامرضا زمانیان

دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

m.esfandiari@eco.usb.ac.ir

مرضیه اسفندیاری^۱

دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

چکیده: تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی همواره یکی از مهمترین عناصر در اداره امور کشور در جهت دستیابی به رشد مطلوب و پایدار اقتصادی است و فساد پدیده‌ای رایج در کشورهایی است که دولت فربه‌ی دارند. با توجه به نقش منابع طبیعی در شکل‌گیری فساد و رفتارهای رانت‌جویانه اهمیت موضوع کنترل فساد برای کشورهای منتخب عضو اوپک و همچنین اثرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی در این کشورها ضروری است؛ بنابراین مطالعه حاضر با رویکرد بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی برای کشورهای منتخب عضو اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۲۲ با تواتر سالانه و از طریق روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و مدل آستانه هانسن (۱۹۹۹) انجام شده است. یافته‌ها گویای آن است که مخارج دولت تأثیر غیرخطی بر رشد اقتصادی دارد، به‌طوری‌که مدل پژوهش دارای یک حد آستانه برای کنترل فساد در مقدار ۱/۴۶۲۲- در سطح معنی‌داری ۹۵٪ است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطوح پایین‌تر از حد آستانه‌ای (CC)، مخارج دولت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند؛ اما در سطوح بالاتر از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC)، مخارج دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. با توجه به اندازه شاخص کنترل فساد در کشورهای منتخب عضو اوپک و نتایج مطالعه، اجرای سیاست‌های مالی انبساطی پیشنهاد نمی‌شود. از لحاظ نظری، این یافته نظریه «روغن کاری چرخ‌ها» را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی، مخارج مصرف نهایی دولت، کنترل فساد، گشتاورهای تعمیم‌یافته

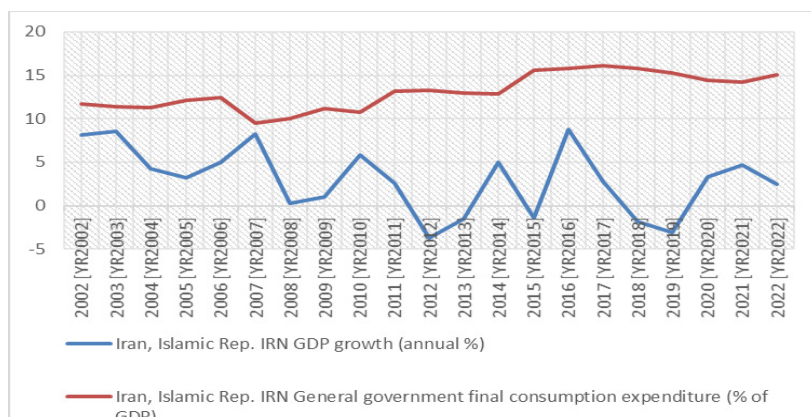
(GMM)، مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PSTR).

طبقه‌بندی JEL: O13, C23, F18, K32

1. Grease the wheel

مقدمه

تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی همواره یکی از نگرانی‌های اصلی در بسیاری از کشورهاست. برخی مطالعات (مانند [Arestis et al., 2021](#); [Arvin et al., 2021](#); [Attari and Javed, 2013](#); [Bucciand Cozzi, 2021](#); [Facchini and Melki, 2013](#); [Ghose and Das, 2013](#); [Grossman, 1990](#); [Odhiambo, 2021](#); [Ram, 1986](#); [Wu et al., 2010](#)) نشان می‌دهند که مخارج دولت از طریق بهبود کیفیت خدمات عمومی، تشویق مصرف و ترویج انگیزه سرمایه‌گذاری خصوصی به‌طور مثبت به رشد اقتصادی کمک می‌کند. جدای از این، برخی از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که اگر مخارج دولت به‌صورت ناکارآمد استفاده شود، می‌تواند کیفیت خدمات عمومی را کاهش دهد، مصرف را محدود کند و از تشکیل سرمایه خصوصی جلوگیری کند و مانع رشد اقتصادی شود ([Nguyen & Bui, 2022](#)). در نمودار (۱) رشد اقتصادی و مخارج دولت در ایران در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۲ با تواتر سالانه به تصویر کشیده شده است. این نمودار روند رشد این دو شاخص را نشان می‌دهد. افزایش مخارج دولت تأثیر متفاوتی بر رشد اقتصادی داشته است. بعضی سال‌ها، افزایش مخارج دولت همراه با افزایش رشد اقتصادی بوده است و در سال‌های دیگر، این رابطه بازده منفی داشته است.



نمودار ۱: مقایسه رشد اقتصادی و مخارج دولت

منبع: داده‌های بانک جهانی^۱

1 <https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators>

افزایش فساد اداری می‌تواند فعالیت‌های رانت‌جویی را افزایش دهد و باعث افزایش مخارج دولت و کاهش درآمد مالیاتی دولت شود و دولت را با کسری بودجه مواجه می‌سازد. در این حالت دولت برای جبران کسر بودجه خود از بانک مرکزی و یا از طریق انتشار اوراق قرضه از مردم قرض می‌گیرد و یا از سیاست حق‌الضرب استفاده می‌کند. در این صورت حجم پول در اقتصاد افزایش می‌یابد و تورم رخ می‌دهد. از طرفی وجود فساد می‌تواند منجر به ناکارآمدی مخارج دولت شود، اگر مخارج دولت به‌صورت ناکارآمد نشود، در این صورت مخارج دولت می‌تواند مانع رشد اقتصادی شود (Hasanimoghadam, 2021).

نظریات متضاد زیادی در مورد تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی وجود دارد. اغلب فساد را مانع رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند؛ فساد اقتصادی می‌تواند عدم اطمینان بازگشت سرمایه را افزایش و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. با این حال برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهند که فساد اقتصادی می‌تواند تخصیص بهینه منابع دولتی را افزایش دهد و باعث رشد اقتصادی شود؛ اما اگر مقامات دولتی و سیاستمداران به دنبال حداکثر کردن سود خصوصی باشند، منجر به کاهش کارآفرینی و افزایش فعالیت‌های رانت‌خواری می‌شود. در این صورت تخصیص بهینه منابع بی‌اثر خواهد بود که می‌توان مانع رشد اقتصادی شود (توان، ۱۳۹۴). تأثیر فساد در کشورها به اندازه و ساختار دولت بستگی دارد. به‌طور کلی، در کشورهای با کیفیت نهادی بالا، فساد می‌تواند تأثیر منفی قابل‌توجهی بر رشد اقتصادی داشته باشد و در کشورهای با کیفیت نهادی پایین، فساد تأثیر ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد (Nguyen & Bui, 2022). همچنین، وجود منابع طبیعی به‌ویژه معدنی مانند نفت معمولاً محیط مساعدی را برای شکل‌گیری فساد ایجاد می‌کند و منجر به رفتار رانت‌جویانه خواهد شد، از سوی دیگر فساد در مدیریت منابع طبیعی تخصیص ناکارآمد منابع طبیعی و کاهش رشد اقتصادی و فقر را در پی خواهد داشت (رحمانی، ۱۳۹۳). بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی یک موضوع پژوهشی است که در مطالعات تجربی به آن توجه کافی نشده است. این درواقع شکاف بزرگی است که باید به‌صورت دقیق و کامل بررسی و تحلیل شود. اغلب مطالعات به‌صورت خطی تأثیر کنترل فساد و مخارج دولت را بر رشد اقتصادی در نظر گرفته‌اند. حال آنکه در مطالعه حاضر تأثیر مخارج دولت به‌عنوان یک متغیر مهم نهادی بر رشد اقتصادی به‌صورت غیرخطی و با لحاظ کنترل فساد به‌عنوان متغیر آستانه‌ای انجام می‌شود تا زمینه پاسخ‌دهی به پرسش‌های زیر را فراهم نماید.

- آیا شاخص کنترل فساد بر تأثیرگذاری مخارج دولت در رشد اقتصادی در کشورهای اوپک تأثیر

معناداری دارد؟

- آیا شاخص کنترل فساد به عنوان یک متغیر آستانه‌ای، منجر به تغییر در شدت و جهت تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک می‌شود؟ این مطالعه در نظر دارد برای اولین بار، با استفاده از مدل اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم یافته^۱ (GMM) و مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی^۲ (PSTR) و هانسن^۳ (۱۹۹۹)، به بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ را بررسی نماید.

در راستای هدف مطالعه حاضر، پس از ارائه مبانی نظری پژوهش، به مرور برخی از مطالعه‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور پرداخته و پس از بیان روش‌شناسی پژوهش، در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

مدل رشد برونزای نئوکلاسیک‌ها

نظریه رشد اقتصادی از دیدگاه نئوکلاسیک نوین ابتدا در سال ۱۹۵۶ با مدل سولو مطرح شد. این مدل نشان می‌دهد که در بلندمدت و در وضعیت تعادل پایدار، انباشت سرمایه فیزیکی تنها قادر به پوشش نرخ رشد جمعیت و استهلاک است و رشد ناشی از انباشت سرمایه فیزیکی متوقف می‌شود. در این حالت، وضعیت تعادل پایدار مستقل از شرایط اولیه اقتصاد است. به عبارت دیگر، نتیجه مدل سولو همگرایی اقتصادها به یک مسیر رشد بلندمدت مشابه است، نه اینکه شرایط اولیه عمداً نادیده گرفته شده باشد (Solow, 1975). با افزایش بهره‌وری عوامل تولید، پیشرفت فنی برونزا تأثیر مثبتی بر فرایند انباشتگی داشته و این مدل را با مسیر رشد متوازن سازگار می‌سازد. این مدل بر چند فرض اصلی استوار است:

۱. بازدهی به مقیاس ثابت است.

۲. عوامل تولید در این مدل به نیروی کار، سرمایه و فناوری محدود شده‌اند و این سه عامل به عنوان کلیدی‌ترین عوامل مؤثر در فرایند تولید در نظر گرفته شده‌اند. تابع تولید به صورت زیر بیان می‌شود:

$$Y_t = f(k_t l_t A_t) \quad (1)$$

1. Generalized Method of Moments (GMM)
2. Panel Smooth Transition Regression Models (PSTR)
3. Hansen

در این مدل، عدم در نظر گرفتن زمین و سایر منابع طبیعی، همچنین تثبیت نرخ پس انداز، استهلاک، رشد جمعیت و پیشرفت فنی، به معنای ثابت بودن این متغیرها در طول زمان است. مدل رشد سولو نشان داد که در بلندمدت، عوامل دیگری غیر از سرمایه و نیروی کار بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارند که از آن ها در این مدل غفلت شده است. یکی از ایرادهای اصلی این مدل، ناتوانی در توضیح تفاوت نرخ رشد بلندمدت میان کشورها است. در حالی که مدل سولو همگرایی رشد اقتصادی در میان کشورهای مختلف را به عنوان نتیجه مطرح می کند، مطالعات تجربی نشان داده اند که همگرایی تنها در میان گروه های مشابه کشورها، مانند کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، قابل مشاهده است و با ادغام این دو گروه، همگرایی مشاهده نمی شود. افزون بر این، نرخ رشد اقتصادی در کشورهای جهان ثابت نبوده و در طول زمان، به ویژه در عصر جدید، افزایش یافته است. این محدودیت ها و مشاهدات تجربی منجر به توسعه و پیدایش سایر مدل های رشد شد (Aghion & Howitt, 2008). رومر و همکاران در مدل رشد خود، وضعیت اقتصادی را به نحوی توصیف می کند که در آن بازدهی نسبت به مقیاس به صورت فزاینده است. این مدل بر اساس پژوهش های منکیو، رومر و ویل^۱ (۱۹۹۲) ارائه شده است. اضافه کردن سرمایه انسانی به تابع تولید، توانایی مدل سنتی رشد سولو را به میزان قابل توجهی ارتقا می دهد. از آنجاکه سطح فساد به عنوان عاملی تعیین کننده بر کارایی و تخصیص بهینه مخارج دولت اثرگذار است، با ترکیب فساد به عنوان یک عامل تعیین کننده در هزینه های دولت، این مدل به شکلی توسعه یافته تر ارائه می شود. در سطوح بالای فساد، بخش قابل توجهی از مخارج دولت ممکن است به جای سرمایه گذاری های مولد، به فعالیت های غیرمولد یا انحراف منابع منجر شود. این امر باعث کاهش تأثیر مثبت مخارج دولت بر رشد اقتصادی می شود. در سطوح پایین فساد، تخصیص مخارج دولت بهبود یافته و بر سرمایه گذاری در زیرساخت ها، آموزش، و بهداشت متمرکز می شود که موجب افزایش بازدهی سرمایه انسانی و فیزیکی و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر می گردد. در این مدل، فساد به عنوان استفاده از قدرت اداری عمومی به منظور تحقق منافع خصوصی تعریف شده است.

کانال اثرگذاری مخارج مصرفی دولت و فساد بر رشد اقتصادی

ارتباط بین هزینه های دولتی و رشد اقتصادی یکی از مسائل مطرح در زمینه اقتصاد است، چراکه یکی از چالش های کشورهای در حال توسعه، دستیابی به رشد پایدار اقتصادی است که عدم آن می تواند منجر به مشکلاتی همچون رکود و بیکاری شود و اثرهای منفی در حوزه های فرهنگی، سیاسی و

اجتماعی نیز به وجود آید. استفاده از ابزارهای مختلف اقتصادی از جمله هزینه‌های دولتی، با توجه به اثرهای مثبت و منفی تورمی آنها که از طریق نظریه و تجربیات عملی کشورها اثبات شده، یکی از موضوعات مهم برای دستیابی به رشد اقتصادی است (Majdzadeh Tabatabaei & Nematollahi, 2010). در بررسی تأثیرات اقتصادی مخارج دولت، تقسیم‌بندی مخارج به دو دسته اصلی مخارج مصرفی و مخارج سرمایه‌گذاری اهمیت ویژه‌ای دارد. مخارج مصرفی که معمولاً شامل هزینه‌های جاری دولت مانند حقوق و دستمزد کارکنان و پرداخت‌های مستمر می‌شود، برخلاف مخارج سرمایه‌گذاری (مانند هزینه‌های زیرساختی و پروژه‌های عمرانی)، اغلب تأثیر کوتاه‌مدت یا میان‌مدت بر رشد اقتصادی دارد و به دلیل ماهیت مصرفی خود، نمی‌تواند مستقیماً به تولید سرمایه و توسعه پایدار منجر شود. با این حال، با در نظر گرفتن نظریه‌های اقتصادی موجود، مخارج مصرفی نیز در برخی شرایط می‌تواند از طریق تحریک تقاضای کل، در کوتاه‌مدت رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، اتکای مفرط به این نوع مخارج در شرایطی که بودجه دولت به دلیل وابستگی بالا به هزینه‌های جاری با کسری مواجه است، می‌تواند آثار منفی بلندمدت، به‌ویژه از طریق فشارهای تورمی و بدهی‌های دولت، ایجاد کند. علاوه بر این، رابطه بین فساد و نوع مخارج دولت نیز موضوعی است که می‌تواند تأثیرات مهمی بر بهره‌وری اقتصادی و رشد داشته باشد. مطالعات نشان می‌دهند که فساد، به‌ویژه در پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌ها شود. این موضوع به این دلیل است که پروژه‌های عمرانی به‌طور معمول بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند و از طریق افزایش هزینه‌ها، کاهش کیفیت اجرایی و طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها، تأثیرات منفی بر عملکرد کلی اقتصادی دارند. از سوی دیگر، چون مخارج مصرفی شامل حقوق و دستمزدها و پرداخت‌های مداوم است، این نوع مخارج به‌طور کلی کمتر مستعد فساد ساختاری هستند، هرچند فساد اداری و ناکارآمدی در تخصیص منابع می‌تواند این حوزه را نیز به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد (Nguyen & Bui, 2022).

از منظر اقتصاد خرد، فعالیت‌ها و اقدامات دولت بر زندگی روزمره هر فرد در جامعه تأثیرگذار بوده و مجموعه قوانین و مقررات، تصمیمات اداری نیز رفتار افراد را شکل می‌دهند. از نگاه کلان اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی دولت در حوزه‌هایی مانند تخصیص منابع، ثبات اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت قرار دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم وجود زیربنای مالی و بانکی توسعه‌یافته، سیاست‌های مالی تأثیر بیشتری نسبت به سیاست‌های پولی بر اقتصاد داشته‌اند (Gaskari, Eghbali, 2007). اقدامات دولت در راستای تبیین اقتصادی می‌تواند رشد اقتصادی

تحقق یافته را به رشد اقتصادی بالقوه نزدیک کند (Haji et al., 2020). بنابراین، کاهش فاصله میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیازمند برنامه ریزی دقیق دولت های ملی است. اگرچه اکنون به نظر می رسد که اکثر اقتصاددانان توافق دارند که نقش دولت ها در کشورهای در حال توسعه باید کاهش یابد و آنها باید وظایف خود را بهبود دهند، برخی معتقدند که سازوکار دولتی به خوبی عمل نمی کند. به عبارت دیگر، این افراد دولت ها را به دلیل تمرکز بیش از حد بر شهرها و کم توجهی به مناطق روستایی انتقاد کرده اند. از سوی دیگر، برخی بر این باورند که استفاده از کارکنان اداری و سایر کارکنان دولتی، کارایی مورد انتظار را تأمین نمی کند. در بسیاری از موارد، این کارکنان انگیزه کافی برای انجام وظایف خود ندارند و بهره وری آنها کمتر از سطح مورد انتظار است. علاوه بر این، فرایندها و روش های غیرانعطاف پذیر اداری باعث کاهش ابتکار و خلاقیت در سازمان ها می شود. به عبارت دیگر، این گروه اعتقاد دارند که عملکرد حال حاضر دولت در کشورهای در حال توسعه به دلیل تفاوت های آن با دیگر کشورها قابل انتقاد است (Arabmazar & Chalak, 2010). همچنین در ادبیات رشد اقتصادی، اجتماعی در زمینه ارتباط دولت با رشد اقتصادی وجود ندارد. برخی به نقش دولت در ایجاد زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی، امنیت اقتصادی و اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، توسعه فناوری، گسترش آموزش و پرورش (سرمایه های انسانی) و سایر جنبه های اقتصادی اعتقاد دارند. در مقابل، برخی دیگر معتقدند که فعالیت های اقتصادی دولت در رشد و توسعه اقتصادی نقش محدودی دارد و سیاست های مالی و پولی دولت ممکن است تأثیر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی داشته باشد (Hekmati Farid et al., 2015). در این پژوهش، برای تحلیل اثرهای آستانه ای، تمرکز اصلی بر رابطه بین مخارج مصرفی و رشد اقتصادی قرار گرفته است، دلیل اصلی انتخاب مخارج مصرفی، این است که این نوع مخارج به ویژه در کشورهای مورد بررسی، سهم زیادی از بودجه دولت را به خود اختصاص می دهد و از لحاظ تأثیرات مستقیم بر رشد، می تواند اثرهای آستانه ای قابل توجهی داشته باشد. همچنین جابه جایی ردیف های بودجه ای امکان پذیر است و بسته به میزان شفافیت و قانون مداری در کشورهای مختلف متفاوت است. از این رو فساد به دلیل ماهیت پرداخت های مستمر و نوع هزینه کرد آن در مخارج مصرفی، آثار غیرمستقیم قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی می تواند داشته باشد. همچنین تأکید شده که اثرهای آستانه ای مدنظر در این پژوهش بیشتر ناظر به نقش میانجی فساد و ناهنجاری های اداری بر کارایی مخارج مصرفی بوده و به ویژه تأثیرات احتمالی سیاست های انبساطی و انقباضی به طور مستقل بررسی نشده است.

کانال اثرگذاری کنترل فساد بر رشد اقتصادی

فساد، پدیده‌ای جهانی است که از زمان پیدایش اولین ساختارهای حکومتی وجود داشته و در دوران معاصر نیز در بیشتر کشورهای جهان گسترش یافته است. فساد به‌طور کلی به استفاده نادرست از منابع عمومی در جهت تحقق منافع شخصی اشاره دارد (Bardhan, 1997). در مورد ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی، ادبیات نظری را می‌توان به دو دیدگاه تقسیم کرد. دیده‌گاه اول که به‌عنوان «روغن کاری چرخ‌ها»^۱ شناخته می‌شود، معتقد است که فساد می‌تواند باعث رشد اقتصادی شود؛ زیرا از طریق حذف محدودیت‌های دولت، فرایند سرمایه‌گذاری و تصمیمات اقتصادی را تسهیل می‌کند و کارایی را افزایش می‌دهد. فساد بهبود کارایی را از طریق صرفه‌جویی در زمان افزایش می‌دهد و امکان تصمیم‌گیری اقتصادی سریع‌تر را فراهم می‌کند؛ بنابراین، این دیده‌گاه می‌گوید که فساد، در صورت کنترل و نظارت مناسب، می‌تواند باعث ترویج کارآفرینی و سرمایه‌گذاری شود. دیدگاه دوم که به‌عنوان «چرخ شنی»^۲ شناخته می‌شود، عقیده دارد که فساد باعث تضعیف رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. بر اساس این دیدگاه، فساد به فقر و نابرابری درآمد، کاهش فرایند مردم‌سالاری، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری و ضعف نمایندگی منجر می‌شود (Erum & Hossein, 2019). لف^۳ (۱۹۶۴) و هانتینگتون^۴ (۱۹۶۸) و بعضی از نویسندگان اظهار کرده‌اند که فساد ممکن است رشد اقتصادی را از طریق دو سازوکار افزایش دهد. اولاً، شیوه‌های فساد می‌توانند افراد را ترغیب کنند تا از تأخیرهای دیوان‌سالارانه جلوگیری کنند. ثانیاً، کارکنان دولت که مجاز به دریافت رشوه هستند، ممکن است سخت‌تر کار کنند. احتمالاً تأثیر مثبت سازوکار اول فساد بر رشد تنها در کشورهایی که مقررات دیوان‌سالارانه دست‌وپاگیر دارند، مفید خواهد بود. سازوکار دوم به‌طور مستقل از سطح مقررات دست‌وپاگیر عمل خواهد کرد. نمونه‌های زیادی از این دیدگاه حمایت می‌کنند؛ برای مثال دی ستو^۵ (۱۹۸۹)، ایگر و وینر^۶ (۲۰۰۵)، لوای^۷ (۲۰۰۷) اشاره دارند که در محیط‌های با نظارت محدود، فساد می‌تواند با تحریک فعالیت کارآفرینی افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی را ترویج دهد (Mauro, 1995).

1. Greas the Wheels
2. Dand the Wheel
3. Leff
4. Huntington
5. De Soto
6. Egger & Winner
7. Levy

دیدگاه دوم نیز از این نظر قوت می‌گیرد. بررسی مو^۱ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که هر یک درصد افزایش در سطح فساد، حدود ۰/۷۲ درصد از رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. راک و بانت^۲ (۲۰۰۴)، حتی ادعا می‌کنند که فساد باعث کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص اقتصادهای باز کوچک می‌شود (Sabahi & Malekosadati, 2010). به‌طور کلی می‌توان گفت که شیوع فساد در کشورهایی رخ می‌دهد که نهادهای حاکمیتی آنها ضعیف هستند و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حاکم در این کشورها فرصت‌ها را برای ظهور فساد ایجاد می‌کند. عدم توجه به نهادهای نظارتی یا فساد درونی نهادهای نیز می‌تواند این پدیده را تشدید کند. این شرایط به‌ویژه در کشورهایی با اقتصاد وابسته به درآمد نفت قابل مشاهده است؛ زیرا وابستگی به درآمدهای نفت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و نهادهای اقتصادی و سیاسی کشورها گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که ساختار نهادی این کشورها و سیاست‌های متمرکز بر منافع نفتی، زمینه‌ای را برای ظهور فساد فراهم کرده است (Ezzati et al., 2016).

کانال‌های اثرگذاری سایر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی

موارد زیر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ذکر کرد:

الف- تشکیل سرمایه ناخالص و رشد اقتصادی

پیشرفت و توسعه هر جامعه بر وجود سرمایه ناخالص برای تولید و توزیع کالاها و خدمات بین عموم مردم و شرکت‌ها وابسته است. قدرت اقتصاد ملی به توانایی و کیفیت زیرساخت‌های آن بستگی دارد که به دو دسته زیرساخت‌های اجتماعی (شامل آموزش، بهداشت، امنیت و...) و زیرساخت‌های اقتصادی (شامل سیستم حمل‌ونقل، ارتباطات، نیرو و...) تقسیم می‌شوند (Hudson et al., 1983). طبق نظریه‌های اقتصاد کلان، انباشت سرمایه فیزیکی یکی از شروط ضروری برای رشد اقتصاد ملی است. درواقع، نیروی کار تا حد زیادی عامل مهم و مؤثر در سرمایه موجود بوده و انباشت سرمایه نقش مهمی در تعیین میزان رشد کل و رشد سرانه نیروی کار ایفا می‌کند. در زمینه گسترش تولید و بهره‌وری اقتصادی، میزان پیشرفت جامعه با سطح سرمایه‌گذاری انجام شده در آن هماهنگ و متناسب است. پژوهش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که در صورت کمبود سرمایه، رشد اقتصادی با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. کشورهای در حال توسعه نیز با مشکل اساسی کمبود سرمایه مواجه‌اند. انتقال فرایند تشکیل سرمایه از طریق بازارهای مالی می‌تواند به بهبود فرایند توسعه اقتصادی کمک کند

1. Mo

2. Rock & Bonnett

(Kamali Dehkordi et al., 2019). همچنین ریکاردو^۱ یکی دیگر از اقتصاددانان کلاسیک در مدل رشد خود بیان می‌دارد که رشد اقتصادی از طریق تشکیل سرمایه به وجود می‌آید (روزبهان، ۱۴۰۱). با ادامه روند مطالعه رشد اقتصادی، نظریه‌های جدید در نیمه اول قرن بیستم گسترش یافتند. در این دوران هارود^۲ (۱۹۳۹)، دومار^۳ (۱۹۴۶) و سولو (۱۹۷۵) به توسعه الگوهای رشد پرداخته‌اند. در این الگوها بیشتر به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تجمع سرمایه به عنوان عوامل اصلی رشد اقتصادی تأکید شده است (Behifar et al., 2021).

ب- رابطه نرخ تورم و رشد اقتصادی

ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی یکی از مسائل مهم در زمینه اقتصاد کلان است که در ادبیات اقتصادی به طور گسترده بحث شده است. تفسیر این ارتباط در مدت زمان مختلف و با توجه به شرایط مختلف اقتصادی تغییر کرده است. از این رو نظریه‌های اقتصادی که به بررسی اثر تورم بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند به ۴ دسته تقسیم می‌شوند (Seyedshokri & Karkhaneh, 2013):

۱- تأثیر مثبت تورم بر رشد اقتصادی. مطالعه توبین^۴ (۱۹۶۸)، نیول را به عنوان جانشین سرمایه در مدل سولو-سوان معرفی کرده و نشان می‌دهد که تورم می‌تواند اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. بر اساس این نظریه، افزایش تورم می‌تواند باعث انباشت سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی شود. همچنین، اگر افزایش تقاضای کل منجر به افزایش تورم شود، تورم و رشد اقتصادی می‌توانند همزمان باشند، مشروط بر اینکه تورم مسبب رشد نباشد بلکه افزایش تقاضای کل به رشد اقتصادی منجر شود.

۲- تورم بی‌تأثیر بر رشد اقتصادی. سیدراسکی^۵ (۱۹۶۷) با وارد کردن پول در تابع مطلوبیت به این نتیجه رسید که پول عمدتاً اثر ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد و می‌تواند به عنوان یک عامل ابرخشی^۶ در این زمینه مطرح شود.

۳- تأثیر منفی تورم بر رشد اقتصادی. استوکمن^۷ (۱۹۸۱) پول را به عنوان مکمل سرمایه در مدلی در نظر گرفته و تأثیر منفی تورم بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. گومه^۸ (۱۹۹۳) و جونز و منوئلی^۹ (۱۹۹۵)

1. Ricardo
2. Harrod
3. Domar
4. Tobin
5. Sidrauski
6. Superneutral
7. Stockman
8. Gomme
9. Jones & Manuelli

نشان داده‌اند که افزایش تورم می‌تواند باعث کاهش سطح مصرف و نرخ رشد اقتصادی گردد. **دگرگوریو^۱ (۱۹۹۳)** مدلی را ارائه کرد که در آن از پول به‌عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های مبادله توسط خانوارها و بنگاه‌ها استفاده می‌شود. این مدل نشان داد که افزایش تورم باعث می‌شود بنگاه‌ها ذخایر پولی خود را کاهش دهند. کاهش ذخایر پولی منجر به افزایش هزینه‌های مبادلاتی شده و کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

۴- در مدل‌های جدید، تأثیرات تورم به‌ویژه در نرخ‌های بالا، با صدمه زدن به بازارهای مالی باعث کاهش سطح کارایی و رشد اقتصادی می‌شود. نظریه **بلانچارد و همکاران^۲ (۲۰۱۰)** بر این اصل تأکید دارد که تورم با عبور از یک حد معین، تأثیرات منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت؛ بنابراین، این دیدگاه بیان می‌کند که ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی به‌صورت خطی نیست و تأثیر آن ممکن است بسته به سطح تورم تغییر کند (**Seydshokri & Karkhaneh, 2013**).

پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن موضوع بحث، مطالعات داخلی و خارجی محدودی در خصوص نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو اوپک انجام شده که در ادامه به آنها اشاره شده است.

برخی پژوهش‌ها به تأثیر فساد و کنترل آن بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که فساد معمولاً اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و کنترل آن می‌تواند بهبودهایی را به‌دنبال داشته باشد؛ برای مثال، **عبدالله و همکاران^۳ (۲۰۲۲)** و **الدین و رحمان^۴ (۲۰۲۳)**، نشان دادند که کاهش سطوح فساد و تقویت حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، نتایج برخی مطالعات مانند **نگوین و بوی^۵ (۲۰۲۲)** و **هو و نگوین^۵ (۲۰۲۳)**، حاکی از آن است که تأثیر فساد ممکن است غیرخطی باشد و وجود یک مقدار آستانه‌ای برای کنترل فساد ضروری به نظر می‌رسد. دسته دیگری از پژوهش‌ها بر نقش مخارج دولت بر رشد اقتصادی تمرکز کرده‌اند. برخی از این مطالعات، مانند **(حاجی و دیگران، ۲۰۲۰)** و **حریریان توکلی و حیدری (۱۹۳۹)**، تأثیر مخارج مصرفی و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مخارج مصرفی دولت در بلندمدت ممکن است اثر منفی داشته باشد،

1. De Gregorio
2. Blanchard
3. Abdillah *et al*
4. Uddin & Rahman
5. Ho & Nguyen

درحالی که مخارج عمرانی در بلندمدت اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد.

برخی پژوهش‌ها تأثیر همزمان فساد و مخارج دولت را بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، (حسنی‌مقدم و دیگران، ۲۰۲۱) نشان دادند که تعامل میان کنترل فساد و مخارج دولت می‌تواند تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته باشد. این یافته‌ها بر اهمیت سیاست‌های ترکیبی برای بهبود رشد اقتصادی تأکید دارد. برخی دیگر از مطالعات، مانند **غفاری فرد و دانش (۲۰۲۲)**، بر اهمیت حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری در رشد اقتصادی تأکید دارند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بهبود حکمرانی و افزایش شفافیت می‌تواند بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی فراهم کند. برخلاف مطالعات قبلی که بیشتر به صورت خطی به تأثیر فساد و مخارج دولت پرداخته‌اند، پژوهش حاضر رابطه غیرخطی میان مخارج دولت و رشد اقتصادی را با لحاظ کنترل فساد به عنوان متغیر آستانه‌ای بررسی می‌کند. همچنین این مطالعه به‌طور خاص بر کشورهای منتخب عضو اوپک متمرکز است که تاکنون در ادبیات موضوع به این شکل مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و مدل رگرسیون آستانه‌ای پانل (PStR) برای تخمین مدل‌ها استفاده کرده است. انتخاب روش GMM به دلیل توانایی آن در رفع مشکلات مربوط به هم‌خطی و تورش‌های احتمالی در داده‌های ترکیبی (پانلی) است. از یک طرف با توجه به اینکه متغیر رشد اقتصادی به مقادیر سال‌های قبل مرتبط است و حالت پویا را دارد، از روش GMM استفاده شده است. از طرف دیگر، روش GMM به‌طور خاص برای مدل‌هایی با متغیرهای تأخیری مناسب است؛ زیرا می‌تواند همبستگی درونی بین متغیر وابسته و اجزای خطا را کنترل کند. این قابلیت باعث می‌شود که تخمین‌های به‌دست‌آمده سازگار و کارا باشند؛ بنابراین در این پژوهش، با توجه به ویژگی‌های داده‌ها و پویایی‌های موجود در مدل، از تخمین‌زننده‌های GMM استفاده شده است تا نتایج معتبرتری ارائه گردد. همچنین مدل رگرسیون آستانه‌ای پانل (PStR) برای بررسی رفتار غیرخطی بین متغیرها با توجه به یک متغیر آستانه‌ای طراحی شده است. با توجه به اینکه نتایج بعضی از مطالعات رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را مثبت و بعضی از مطالعات این رابطه را منفی نتیجه گرفته‌اند؛ در این مدل، داده‌ها به دو یا چند رژیم تقسیم می‌شوند که مرز آن‌ها توسط مقدار بهینه متغیر آستانه‌ای تعیین می‌شود. به‌ویژه زمانی مفید است که روابط بین متغیرها در سطوح مختلف یک متغیر توضیحی (مانند مخارج دولت یا رشد اقتصادی) متفاوت باشد. این روش امکان تحلیل تأثیر تغییرات در متغیرهای توضیحی را در

رژیم‌های مختلف فراهم می‌کند و بدین ترتیب از پیچیدگی و ناهمگونی در داده‌ها به‌خوبی بهره می‌گیرد. مدل‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Stata 16 تخمین زده شده است.

تصریح مدل

این پژوهش از لحاظ روش، علی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است. دوره مورد استفاده با توجه به داده‌های در دسترس، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ با تواتر سالانه در نظر گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، کشورهای منتخب عضو اوپک شامل ۸ کشور الجزایر، جمهوری کنگو، گابن، ایران، عراق، کویت، نیجریه و عربستان سعودی هستند و به‌دلیل نبود داده‌های متغیرهای مورد بررسی، کشورهای آنگولا، گینه استوایی، لیبی، ونزوئلا و امارات متحده عربی از مطالعه حذف شدند. **جدول (۱)**، منبع استخراج متغیرهای وابسته و مستقل به‌کار رفته در این پژوهش را توصیف می‌کند.

جدول ۱: تعریف و منبع استخراج متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف	واحد متغیرها	منبع
GDP	رشد اقتصادی	(درصد تغییر تولید ناخالص داخلی حقیقی)	(International Monetary Fund) IMF https://www.imf.org/en/Data
GE	سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی	(نسبتی از مخارج مصرف نهایی دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد))	(World Development Indicators) WDI https://data.worldbank.org
CC	شاخص کنترل فساد	(درصدی از واحدهای توزیع نرمال استاندارد است که بین محدوده ۲/۵- تا ۲/۵ قرار دارد)	((Worldwide Governance Indicators) WGI https://www.worldbank.org
GRO	سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی	(نسبتی از تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی (درصد))	(World Development Indicators) WDI https://data.worldbank.org
INF	تورم نرخ	(درصد تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده)	(World Development Indicators) WDI https://data.worldbank.org

تخمین GMM از طریق استفاده از ماتریسی از متغیرهای ابزاری که با متغیرهای درون‌زا همبستگی دارند؛ اما با خطاهای مدل همبستگی ندارند، انجام خواهد شد (Hajamini & Falahi, 2018). بدین ترتیب درون‌زایی نهفته در مدل کنترل می‌شود و از قابلیت اطمینان نتایج تخمین اطمینان حاصل می‌شود. همان‌طور که پیشتر شرح داده شد، میزان فساد از طریق مخارج دولت بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از این‌رو برای بررسی تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو اوپک از معادله زیر استفاده می‌گردد:

$$GDP_{it} = \beta_0 + \beta_1 GE_{it} + \beta_2 CC_{it} + \beta_3 GRO_{it} + \beta_4 INF_{it} + e_{it} \quad (2)$$

در معادله (۲) رشد تولید ناخالص داخلی متغیر وابسته، سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی متغیر مستقل و برداری از متغیرهای کنترل شامل شاخص کنترل فساد، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته بررسی می‌شوند. انتخاب متغیرها بر اساس مطالعات نگوین و بوی (۲۰۲۲)، صورت گرفته است.

با توجه به تأثیرگذاری متفاوت مخارج دولت بر رشد اقتصادی از یک‌سو و نقش کنترل فساد در کارایی و تخصیص بهینه مخارج دولت و به تبع آن رشد اقتصادی، از مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PStR) ارائه شده توسط هانسن (۱۹۹۹) برای بررسی وجود مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) در مدل پژوهش استفاده گردید تا به بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو اوپک پرداخته شود. اگر مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) وجود داشته باشد، می‌توان تأثیر GE بر GDP را در سطوح مختلف CC، یعنی در نواحی قبل و بعد از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) تجزیه و تحلیل کنیم. این رویکرد ما را قادر به بررسی دقیق‌تری از تأثیر GE بر GDP را در سطوح مختلف CC می‌سازد که در تخمین GMM این کار میسر نیست. علاوه بر این، تخمین مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) روی داده‌های تابلویی می‌تواند به نتایج قابل اعتمادتری نسبت به تخمین داده‌های سری زمانی یا مقطعی منجر شود (Hajamini & Falahi, 2018). بنابراین، ترکیب تخمین GMM و مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی PStR استفاده می‌گردد که در آن نمونه داده‌ای تعداد کشورها (N) کمتر از زمان (T) است. در صورتی که یک آستانه (وجود داشته باشد، مدل معادله زیر را خواهد داشت:

$$GDP_{it} = \alpha + \delta_1 GE_{it} I(CC_{it} \leq \lambda) + \delta_2 GE_{it} I(CC_{it} > \lambda) + \beta X_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

در معادله (۳)، λ مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) و نشان‌دهنده متغیرهای کنترلی است. در صورتی که مدل دارای دو آستانه (λ_1 و λ_2) باشد، مدل معادله زیر را خواهد داشت:

$$(4)$$

$$GDP_{it} = \alpha + \delta_1 GE_{it} I(CC_{it} \leq \lambda_1) + \delta_2 GE_{it} I(\lambda_1 < CC_{it} \leq \lambda_2) + \delta_3 GE_{it} I(CC_{it} > \lambda_2) + \beta X_{it} + \varepsilon_{it}$$

در معادله (۴)، λ_1 و λ_2 مقادیر متغیر آستانه‌ای (CC) و X نشان‌دهنده متغیرهای کنترلی است. در صورتی که مدل دارای آستانه‌های چندگانه (آستانه j) باشد، مدل معادله زیر را خواهد داشت:

$$GDP_{it} = \alpha + \delta_1 GE_{it} I(CC_{it} \leq \lambda_1) + \sum_{j=2}^{j=1} \delta_2 GE_{it} I(\lambda_{j-1} < CC_{it} \leq \lambda_j) + \delta_3 GE_{it} I(CC_{it} > \lambda_j) + \beta X_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

در معادله (۵)، λ_j (آستانه‌های j) مقادیر متغیر آستانه‌ای (CC) و X نشان‌دهنده متغیرهای کنترلی است.

برآورد مدل و تفسیر نتایج

آمار توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در **جدول (۲)** برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر و توزیع متغیرها برای کشورهای منتخب عضو اوپک؛ در بازه زمانی ۲۰۲۲-۲۰۰۲ با تواتر سالانه از طریق نرم‌افزار Eviews10 ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های آماری استفاده شده برای کشورهای منتخب اوپک

Mean	Median	Maximum	Minimum	Std. Dev.	Observations	Variables
میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات	متغیرها
۴/۰۰۴۷۶۲	۳/۲۰۰۰۰۰	۸۱/۸۰۰۰۰	-۱۵/۷۰۰۰۰	۸/۶۶۱۵۸۰	۱۶۸	GDP رشد تولید ناخالص داخلی
۱۵/۸۷۱۳۱	۱۵/۶۹۳۲۷	۲۹/۳۲۱۶۴	۰/۹۵۱۷۴۷	۵/۶۲۴۷۱۶	۱۶۸	GE سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی
-۰/۷۲۱۳۹۲	-۰/۸۳۲۴۶۳	۰/۹۸۱۵۴۵	-۱/۵۰۲۰۶۸	۰/۵۶۷۲۳۳	۱۶۸	CC شاخص کنترل فساد
۲۸/۲۳۱۳۲	۲۶/۹۲۸۰۹	۷۹/۴۰۱۰۸	۹/۳۴۱۷۱۹	۱۱/۴۲۵۴۳	۱۶۸	GRO سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی
۷/۴۱۰۹۹۹	۴/۱۹۹۵۳۶	۵۳/۲۳۰۹۶	-۱۰/۰۶۷۴۹	۹/۵۲۵۵۷۰	۱۶۸	INF نرخ تورم

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون مانایی متغیرها

در پژوهش حاضر، برای جلوگیری از وجود رگرسیون کاذب و اطمینان از پایایی متغیرها، از آزمون‌های ریشه واحد داده‌های تلفیقی سری زمانی و داده‌های مقطعی مانند آزمون لوین، لین و چو (LLC)، آزمون ایم، پسران و شین (IPS) و آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF) استفاده می‌شود. در این راستا، از سه آزمون ریشه واحد فوق برای اطمینان از استقامت متغیرها استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از این آزمون‌ها به تبیین میزان پایداری و استحکام متغیرهای مورد استفاده در تحلیل‌ها کمک می‌کند.

جدول ۳: آزمون‌های ریشه واحد

نام متغیر	آزمون‌های ریشه واحد پانل	مقدار آماره	احتمال آماره
GDP	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-۷/۰۳۲۲۶	۰/۰۰۰۰
GDP	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-۴/۹۷۹۵۶	۰/۰۰۰۰
GDP	آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)	۵۵/۸۶۳۸	۰/۰۰۰۰
GE	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-۲/۴۲۰۴۹	۰/۰۰۷۷
GE	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-۲/۷۵۲۲۷	۰/۰۰۳۰
GE	آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)	۳۵/۶۹۰۹	۰/۰۰۳۲
CC	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-۶/۷۵۳۷۸	۰/۰۰۰۰
CC	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-۳/۱۹۸۴۳	۰/۰۰۰۷
CC	آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)	۳۸/۴۶۰۹	۰/۰۰۱۳
GRO	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-۵/۹۷۸۴۵	۰/۰۰۰۰
GRO	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-۴/۹۹۹۲۴	۰/۰۰۰۰
GRO	آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)	۵۵/۴۸۲۹	۰/۰۰۰۰
INF	آزمون لوین، لین و چو (LLC)	-۲/۵۰۶۷۴	۰/۰۰۶۱
INF	آزمون ایم، پسران و شین (IPS)	-۳/۰۸۲۴۰	۰/۰۰۱۰
INF	آزمون فیشر-دیکی فولر (ADF)	۳۷/۲۸۶۷	۰/۰۰۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به **جدول (۳)** و نتایج آزمون‌های صورت گرفته برای متغیرهای کشورهای مورد مطالعه، مشخص شد تمامی متغیرها در سطح مانا قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در تمام متغیرهای پژوهش در سطح رد شده است. این نتایج نشان می‌دهند تمامی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش به صورت پایدار در طول زمان عمل کرده‌اند.

آزمون هم‌انباشتگی

آزمون‌های متعددی برای بررسی همبستگی بین داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی وجود دارد؛ مانند: آزمون کائو، آزمون پدرونی و آزمون فیشر. در مطالعه حاضر از آزمون کائو استفاده شد. آزمون پدرونی به دلیل تعداد زیاد متغیرهای مدل امکان‌پذیر نیست و آزمون فیشر به دلیل داده‌های ناکافی امکان‌پذیر نیست.

جدول ۴: نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

نام آزمون	Prob	t-statistic
آزمون هم‌انباشتگی کائو	۰/۰۰۰۰	-۷/۵۰۰۰۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج **جدول (۴)** در این آزمون، فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی رد شده و بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است؛ بنابراین، این برآورد حاوی رگرسیون کاذب نیست.

آزمون F لیمر

در ادبیات اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، به منظور همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی، آماره F لیمر مورد آزمون قرار می‌گیرد. بر این اساس فرضیه H_0 در این آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی است و فرضیه مقابل یعنی H_1 قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی سری زمانی و داده‌های مقطعی است.

جدول ۵: نتایج آزمون F لیمر

f-statistic	P-Value	F Limer
۳/۵۷	۰/۰۰۱۴	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج، جدول (۵) نشان می‌دهد از آنجایی که اندازه Prob زیر ۰/۰۵ است، فرضیه صفر که Pool بودن داده‌هاست، رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت عرض از مبدأ این کشورها یکسان (همگن) نیست و داده‌ها تابلویی بوده و باید از روش برآورد اثرهای ثابت استفاده کرد.

آزمون هاسمن

برای مشخص ساختن روش مناسب برآورد در داده‌های ترکیبی (اثرهای ثابت یا تصادفی) آماره آزمون هاسمن را استفاده می‌شود. آماره این آزمون توزیع کای‌دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل دارد. فرضیه صفر در آزمون هاسمن تصادفی بودن اثرهاست؛ بنابراین در صورتی که آزمون صفر رد شود، باید از الگوی اثرهای ثابت استفاده کرد.

جدول ۶: نتایج آزمون هاسمن

f-statistic	P-Value	Hausman
۲۳/۹۷	۰/۰۰۰۱	

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابر نتایج به‌دست آمده در جدول (۶)، آماره کای‌دو آزمون هاسمن برای مؤلفه‌های این پژوهش در ۸ کشور برگزیده شده برابر با ۲۳/۹۷ است. از آنجایی که مقدار Prob زیر ۰/۰۵ و تقریباً برابر با صفر است، فرضیه صفر برای کشورهای بررسی‌شده رد می‌شود و تفاوت عرض از مبدأها در این کشورها به‌صورت تصادفی نیست؛ بنابراین در این پژوهش باید از الگوی داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت استفاده کرد.

نتایج آزمون‌های فروض کلاسیک

- آزمون ناهمسانی واریانس

ماهیت داده‌های تابلویی ایجاب می‌کند که در بسیاری از مطالعات مبتنی بر این‌گونه داده‌ها، مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی بروز نماید. با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی بر برآورد انحراف معیار ضرایب و همچنین مسئله استنباط آماری، لازم است قبل از پرداختن به هرگونه تخمین، در مورد وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس و همچنین خودهمبستگی تحقیق شود. برای ارزیابی همسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون والد تعدیل‌شده استفاده شده است. با توجه به آماره کای‌دو، فرض صفر که به همسانی واریانس و فرض مقابل که به ناهمسانی واریانس اشاره دارد، آزمون می‌شود. نتایج این آزمون در **جدول (۷)** گزارش شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

ناهمسانی واریانس	مقدار آماره	مقدار احتمال
آزمون والد تعدیل‌شده	۱۹۵۸/۰۴	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج **جدول (۷)** نشان می‌دهد که مقدار آماره کای‌دو برابر با ۱۹۵۸/۰۴ است و ارزش احتمالی برابر با ۰/۰۰۰۰ است که کمتر از ۵٪ است. این نتایج نشان می‌دهند که فرض صفر H_0 که به همسانی واریانس اشاره دارد، در این پژوهش رد شده و فرض مقابل H_1 که به ناهمسانی واریانس اشاره دارد، تأیید شده است.

- آزمون خودهمبستگی

برای ارزیابی وجود خودهمبستگی در این مدل، از آزمون والدريج استفاده شده است. در این آزمون، فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی و فرض مقابل H_1 مبنی بر وجود خودهمبستگی است.

جدول ۸: نتایج آزمون خودهمبستگی

خودهمبستگی	مقدار آماره	مقدار احتمال
آزمون والدريج	۱۲۲/۸۶۳	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که مقدار آماره والدريج برابر با ۱۲۲/۸۶۳ و ارزش احتمالی آن ۰/۰۰۰۰ است؛ بنابراین، فرضیه H_0 مبنی بر نبود خودهمبستگی در سطح ۹۵ درصد رد می‌شود و فرضیه مقابل H_1 مبنی بر وجود خودهمبستگی تأیید می‌شود. از این رو برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در مدل پژوهش از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده می‌گردد.

برآورد مدل پژوهش

برای برآورد تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو اوپک، از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) پیشنهاد شده توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱) استفاده می‌شود. استفاده از این روش به ما اجازه می‌دهد تا مسائل درون زایی را در مدل تحقیق کنترل کنیم و همزمان از استحکام مدل تحقیق اطمینان حاصل کنیم. درون زایی پنهان در مدل می‌تواند زمانی ایجاد شود که متغیرهای توضیحی با خطاها همبستگی داشته باشند و این متغیرهای توضیحی متغیرهای درون زای نامیده می‌شوند. نتایج حاصل از تخمین متغیرهای مورد بررسی در جدول (۹) بیان شده است.

جدول ۹: نتایج برآورد مدل با روش GMM

متغیرهای پژوهش	نماد متغیرها	مقدار آماره و سطح معنی داری	
		ضریب	مقدار z آماره سطح معنی داری
سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی	GE	-۰/۴۴۲۳۸۴۱	-۳/۶۸
شاخص کنترل فساد	CC	۸/۶۱۹۶۸۹	۳/۵۹
سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی	GRO	۰/۰۰۳۲۴۳۳	۰/۰۵
نرخ تورم	INF	۰/۲۵۲۷۹۶۱	۴/۸۸
ثابت	Constant	۱۵/۲۷۹۱۱	۴/۱۵
F statistics		۳۷/۳۶	
Prob		۰/۰۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

ضرایب به دست آمده از آزمون GMM، در **جدول (۹)** را می توان به صورت زیر تفسیر کرد:

در کشورهای منتخب عضو اوپک سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی رابطه منفی و معناداری با رشد تولید ناخالص داخلی دارد به گونه ای که یک درصد افزایش در سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی، رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۰/۴۴ درصد کاهش می دهد.

شاخص کنترل فساد با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری داشته به گونه ای که یک درصد افزایش در شاخص کنترل فساد، منجر به افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۸/۶۲ درصد می شود.

سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت با رشد تولید ناخالص داخلی دارد؛ اما از لحاظ آماری معنا نیست.

نرخ تورم نیز با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری داشته به گونه ای که یک درصد افزایش در نرخ تورم، رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۰/۲۵ درصد افزایش می دهد.

آزمون سارگان یکی از روش های ارزیابی در محاسبات مدل های تعمیم یافته GMM است. این آزمون بعد از تخمین مدل های مورد بررسی اجرا می شود و ارزیابی می کند که آیا متغیرهای ابزاری در مدل مناسب هستند یا خیر؟ اگر احتمال آماره سارگان از سطح اطمینان مشخص شده بیشتر باشد، نشان دهنده قبولی فرض صفر درباره مناسب بودن ابزارها در مدل است؛ در غیر این صورت، ابزارها نامناسب قلمداد می شوند. نتایج این آزمون در **جدول (۱۰)** آورده شده است.

جدول ۱۰: نتایج آزمون سارگان

نوع آزمون	مقدار آماره	سطح احتمال
آزمون سارگان	۱۶۲/۲۸۸۲	۰/۱۸۳۸

منبع: یافته های پژوهش

نتایج **جدول (۱۰)** نشان می شود که مقدار آماره سارگان در این مدل برابر با ۱۶۲/۲۸۸۲ است و سطح اطمینان متناظر با این آزمون ۰/۱۸ درصد است و فرضیه صفر که مبتنی بر مناسب بودن ابزارها در مدل است، تأیید شده و فرضیه مقابل که به عدم مناسب بودن ابزارها اشاره دارد، رد شده است؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که ابزارهای مورد استفاده در مدل این پژوهش به خوبی انتخاب شده اند.

مدل رگرسیون آستانه‌ای

مدل رگرسیون آستانه‌ای یک نوع مدل رگرسیون است که برای مسائل تصمیم‌گیری بر اساس یک آستانه (حداقل مقدار) استفاده می‌شود. این مدل به‌عنوان یک شاخص از دسته مدل‌های طبقه‌بندی نیز مطرح می‌شود. در این مدل، خروجی نمایانگر دسته‌های دوگانه ممکن یعنی ۰ یا ۱ (یا دو دسته دیگر) است. در این پژوهش ابتدا وجود مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) را در مدل پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهیم و نتایج آن در **جداول (۱۱) و (۱۲)** ارائه شده است.

جدول ۱۱: برآورد مقدار آستانه‌ای (سطح=۹۵)

نوع مدل	مقدار آستانه	حد پایین	حد بالا
تک آستانه	-۱/۴۶۲۲	-۱/۵۰۲۱	-۱/۴۶۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۲: آزمون اثر مقدار آستانه‌ای

Prob	F- stat	RSS	Threshold
۰/۰۰۶۷	۲۴/۸۶	۸۵۹۵/۴۲۸۵	Single

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج **جداول (۱۱) و (۱۲)** وجود مدل یک آستانه‌ای (CC) در سطح معنی‌داری ۹۵٪ و مقدار -۱/۴۶۲۲ را تأیید می‌کند؛ بنابراین، مدل پژوهش تأثیر GE بر GDP را می‌توان با توجه به معادله (۱۸) بیان کرد. در مرحله بعد، به تخمین تأثیر GE بر GDP در مناطق قبل و بعد از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) پرداخته می‌شود و نتایج آن در **جدول (۱۳)** ارائه شده است.

جدول ۱۳: تخمین مدل با در نظر گرفتن سطح آستانه‌ای

متغیرهای پژوهش		نماد	مقدار آماره و سطح معنی داری	
		متغیرها	مقدار آماره t	ضریب سطح معنی داری
شاخص کنترل فساد		CC	۲/۱۱	۵/۶۲۴۵۱۴
سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی		GRO	۱/۰۱	۰/۰۷۰۰۸۳۷
تورم نرخ		INF	۲/۱۶	۰/۱۷۵۹۳۷۳
cat#c.ge				
Ge (CC ≤ -۱/۴۶۲۲)		۰	۳/۳۹	۱/۰۸۳۱۲
Ge (CC > -۱/۴۶۲۲)		۱	-۴/۴۵	-۰/۸۷۷۳۵۴
F (۷/۱۵۵) آماره				۴/۲۹
				۰/۰۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه مقدار آستانه معنادار بوده است، تأثیر ضرایب به‌دست آمده در الگو متأثر از میزان آستانه‌ای به‌دست آمده است. نتایج جدول (۱۳) بیان می‌کند:

در رژیم اول که میزان شاخص کنترل فساد کمتر از حد آستانه $(CC \leq -1/4622)$ است، متغیر سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری با رشد تولید ناخالص داخلی دارد به‌گونه‌ای که یک درصد افزایش در سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی، رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۱/۰۸ درصد افزایش می‌دهد.

در رژیم دوم که میزان شاخص کنترل فساد بالاتر از حد آستانه $(CC > -1/4622)$ است، متغیر سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی رابطه منفی و معناداری با رشد تولید ناخالص داخلی دارد به‌گونه‌ای که یک درصد افزایش در سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی، منجر به کاهش رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۰/۸۷ درصد می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که با در نظر گرفتن مقدار آستانه $-1/4622$ - متغیر شاخص کنترل فساد رابطه مثبت و معنادار با رشد تولید ناخالص داخلی دارد به‌گونه‌ای که یک درصد افزایش در شاخص کنترل فساد، رشد تولید ناخالص داخلی را به میزان ۵/۶۲ درصد افزایش می‌دهد. متغیر سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت با رشد تولید ناخالص داخلی دارد؛ اما از لحاظ آماری معنادار نیست و همچنین نرخ تورم با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و معناداری داشته به‌گونه‌ای که یک درصد افزایش در نرخ تورم، منجر به افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۰/۱۷

درصد می‌شود؛ بنابراین بر اساس نتایج حاصل از برآورد GMM و حد آستانه می‌توان بیان نمود که این دو مدل از یکدیگر حمایت می‌کنند و هم‌راستا با مبانی نظری پژوهش هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ با تواتر سالانه است. برای آزمون فرضیات این پژوهش، با توجه به دوره زمانی ۲۰ ساله و وجود مقاطع مختلف برای کشورهای منتخب عضو اوپک، از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PStR) استفاده شده است، و پنج کشور از کشورهای منتخب عضو اوپک به دلیل نبود داده متغیرهای پژوهش از مطالعه حذف شدند. نتایج بر اساس روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) نشان داد که متغیر سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است؛ اما مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PStR) نشان داد که سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی در سطوح پایین‌تر از حد آستانه‌ای (CC) تأثیر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی و در سطوح بالاتر تأثیر منفی و معناداری دارد. این یافته در راستای نتایج **نگوین و بوی (۲۰۲۲) و حاجی و همکاران (۲۰۲۰)** است؛ بنابراین، در سطوح پایین از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) به منظور کنترل فساد سیاست‌های مالی انبساطی می‌تواند منجر به تحریک اقتصادی شود. از نظر منطقی، مخارج دولت از طریق بهبود کیفیت خدمات عمومی، تشویق مصرف و ترویج انگیزه سرمایه‌گذاری خصوصی به‌طور مثبت به رشد اقتصادی کمک می‌کند؛ اما در سطوح بالاتر از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) سیاست‌های مالی انقباضی می‌تواند برای تحریک رشد اقتصادی دریافت شود. اگر مخارج دولت به‌صورت ناکارآمد استفاده شود، می‌تواند کیفیت خدمات عمومی را کاهش دهد، مصرف را محدود کند و از تشکیل سرمایه خصوصی جلوگیری کرده و مانع رشد اقتصادی شود؛ بنابراین کشورهایی که شاخص کنترل فساد آنها در رژیم اول قرار می‌گیرند، سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی اثری مثبت و معنادار بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. در بین کشورهای مورد بررسی فقط نیجریه در سال ۲۰۰۲ و عراق در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ سطح کنترل فساد قبل از مقدار آستانه بوده است. کشورهایی که کنترل فساد آنها در رژیم دوم قرار می‌گیرند، سهم مخارج مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی اثری منفی و معنادار بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. این کشورها شامل الجزایر، جمهوری کنگو، گابن، ایران، عراق، کویت، نیجریه، عربستان سعودی

از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ و نیجریه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ به جز سال ۲۰۰۲ و عراق از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ جز سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ است. با بررسی شاخص کنترل فساد در کشورهای مورد بررسی، می‌توان بیان کرد بیشتر کشورهای مورد بررسی از مقدار متغیر آستانه‌ای (CC) عبور کردند؛ بنابراین، توصیه نمی‌شود که در کشورهای منتخب عضو اوپک سیاست انبساطی مالی اجرا شود و دولت‌ها باید در این کشورها فعالیت اقتصادی خود را محدود کنند و با توجه به این یافته‌ها، می‌توان ادعا کرد که این نتایج نظریه «روغن کاری چرخ‌ها» را تأیید می‌کنند.

متغیر شاخص کنترل فساد اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. این یافته در راستای نتایج هو و نگوین (۲۰۲۳)، عبدالله و همکاران (۲۰۲۰)، غفاری فرد و دانش (۲۰۲۲) و حسینی مقدم و همکاران (۲۰۲۱) است؛ اما برخلاف نتایج نگوین و بوی (۲۰۲۲) است. فساد مانعی مهم برای رشد اقتصادی است. فساد منابع را به‌طور ناکارآمد تخصیص می‌دهد. سرمایه بر بخش‌ها و صنایع با ارزش افزوده پایین‌تر متمرکز می‌شود و منابع بیشتر برای مصرف فعلی است تا سرمایه‌گذاری‌های آتی. براین اساس، کنترل فساد باعث بهبود تخصیص سرمایه و تحریک رشد می‌شود. کشوری که کنترل خوبی بر فساد داشته باشد همچنین علامت‌دهی ایمن و مثبتی را به سرمایه‌گذاران بین‌المللی و داخلی درباره فضای سرمایه‌گذاری تجاری شفاف و باز ارسال می‌کند و از این طریق به جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای رشد کمک می‌کند. علاوه بر این، کنترل خوب فساد به افزایش رقابت در بازار کمک می‌کند؛ زیرا کارآفرینان می‌توانند با توانایی‌های خود تجارت کنند، کارایی تولید را افزایش دهند و به توسعه اقتصاد کمک کنند.

متغیر سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی اثر مثبت ولی بی‌معنی بر رشد تولید ناخالص داخلی را نشان داد. این یافته در راستای نتایج صادقی و تدین (۲۰۲۲) است؛ اما برخلاف نتایج نگوین و بوی (۲۰۲۲) و حسینی مقدم و همکاران (۲۰۲۱) است. به نظر می‌رسد با توجه به توسعه ناکافی در بخش مالی کشورهای عضو منتخب اوپک، سهم سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی از تولید ناخالص داخلی در این کشورها به‌طور مناسب و به‌صورت مولد افزایش نیافته است.

متغیر نرخ تورم نیز اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است؛ این یافته در راستای نتایج الدین و رحمان (۲۰۲۳) است؛ اما برخلاف نتایج نگوین و بوی (۲۰۲۲) و حریریان توکلی و حیدری (۱۴۰۱) است.

اظهاریه قدردانی

نویسندگان از حمایت و همکاری معنوی سردبیر محترم، داوران ناشناس، کارشناسان و ویراستاران علمی و ادبی پژوهشنامه اقتصاد و برنامه ریزی کمال تشکر را دارد. همچنین با توجه به این که مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه است از حمایت دانشگاه سیستان و بلوچستان تشکر و قدردانی می گردد.

منابع

- Abdillah, K., Handoyo, R. D., & Wasiaturrahma, W. (2020). The Effect of Control Corruption, Political Stability, and Macroeconomic Variables on Asian Economic Growth. *Ekulilibrium: Jurnal Ilmiah Bidang Ilmu Ekonomi*, 15(2), 161-169. <https://DOI:10.24269/ekulilibrium.v15i2.2020.pp161-169>
- Aghion, P., & Howitt, P. W. (2008). *The economics of growth*. MIT Press.
- Arabmazar, A. , Chalak, F.(2010). Dynamic Analysis of Government Expenditure's Effect on Economic Growth in Iran. *Economic Research*, 45(2), 20.1001.1.00398969.1389.45.2.6.9.(in Persian)
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297. <https://DOI:10.2307/2297968>
- Arestis, P., Sen, H., Kaya, A. (2021). On the linkage between government expenditure and output: empirics of the Keynesian view versus Wagner's law. *Econ. Change Restrict*. 54 (2), 265-303. <https://DOI:10.1007/s10644-020-09284-7>
- Arvin, M.B., Pradhan, R.P., Nair, M.S., (2021). Are there links between institutional quality, government expenditure, tax revenue, and economic growth? Evidence from low-income and lower-middle-income countries. *Econ. Anal. Pol.* 70, 468-489. <https://DOI:10.1016/j.eap.2021.03.011>
- Attari, M.I.J., Javed, A.Y., (2013). Inflation, economic growth and government expenditure of Pakistan: 1980-2010. *Procedia Econ. Finance* 5, 58-67. [https://DOI:10.1016/S2212-5671\(13\)00010-5](https://DOI:10.1016/S2212-5671(13)00010-5). (in Persian)
- Bardhan, P. K. (1997). *Democracy and development: A complex relationship*. Law and Economics Programme, Faculty of Law, University of Toronto.
- Behifar, M., Rabii, M. & Azadiahmadabadi, Gh.(2021). The Effect of FDI on the Economic Growth of Developing Countries. *Journal of Economic Business Research*, 11(22), Autumn, 27-40.
- Blanchard, O. J., Faruquee, H., Das, M., Forbes, K. J., & Tesar, L. L. (2010). The initial impact of the crisis on emerging market countries [with comments and discussion]. *Brookings papers on economic activity*, 263-323. <https://DOI:10.1353/eca.2010.0005>
- Bucci, A., Cozzi, G., (2021). Introduction to the macroeconomic dynamics special issue on: growth in the aftermath of the financial crisis: theories, policies, and sources of sustainable development. *Macroecon. Dyn.* 25 (5), 1145-1154. <https://DOI:10.1017/S1365100520000012>

- De Gregorio, J. (1993). Inflation, taxation, and long-run growth. *Journal of Monetary Economics*, 31(3), 271-298. [https://DOI:10.1016/0304-3932\(93\)90049-L](https://DOI:10.1016/0304-3932(93)90049-L)
- De Soto, H. (1989). *The other path* (p. 17133). New York: Harper & Row.
- Domar, E. (1946) Capital Expansion, Rate of Growth and Employment. *Econometrica*, 14, 137-147. <https://DOI:10.2307/1905364>
- Egger, P., & Winner, H. (2005). Evidence on corruption as an incentive for foreign direct investment. *European journal of political economy*, 21(4), 932-952. <https://DOI:10.1016/j.ejpoleco.2005.01.002>
- Ezzati, M. , Seif A. Mehregan, N. & Malekishahrivar, M. (2016). The Short Run and Long Run of Oil Income on the Economic Corruption in Iran, *Economic Research*, 16(2), 73-98. 20.1001.1.17356768.1395.16.2.10.5. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-12147-en.html>
- Erum, N., & Hussain, S. (2019). Corruption, natural resources, and economic growth: Evidence from OIC countries. *Resources Policy*, 63, 101429. <https://DOI:10.1016/j.resourpol.2019.101429>
- Facchini, F., Melki, M., (2013). Efficient government size: France in the 20th century. *Eur. J. Polit. Econ.* 31, 1-14. <https://DOI:10.1016/j.ejpoleco.2013.03.002>
- Gaskari, R. , Eghbali, A. (2007). The Government Expenditure and Economic Growth: The Case of Iran. *Journal of Economic Research (Tahghighat- E- Eghtesadi)*, 42(4), dor 20. 1001.1.00398969.1386.42.4.10.6. (in Persian)
- Gomme, P. (1993). Money and growth revisited: Measuring the costs of inflation in an endogenous growth model. *Journal of Monetary Economics*, 32(1), 51-77. [https://DOI:10.1016/0304-3932\(93\)90035-E](https://DOI:10.1016/0304-3932(93)90035-E)
- Grossman, P.J., (1990). Government and growth: cross-sectional evidence. *Publ. Choice* 65 (3), 217-227. <http://www.springer...ce/journal/11127/PS2> <https://DOI:10.1007/BF00204946>
- Ghafarifard M, danesh H. (2022). The Impact of Good Governance on Economic Growth in Selected Islamic Countries(Panel Data Approach).*Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 12(4), 1-21. 20.1001.1.23222980.1401.12.4.1. 2. (in Persian)
- Ghose, A., Das, S., (2013). Government size and economic growth in emerging market economies: a panel co-integration approach. *Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies* 6 (1), 14-38. d <https://DOI:10.1080/17520843.2012.697075>
- Hajamini, M., & Falahi, M. A. (2018). Economic growth and government size in developed European countries: A panel threshold approach. *Economic Analysis and Policy*, 58, 1-13. <https://DOI:10.1016/j.eap.2017.12.002>. (in Persian)
- Haji G, keyhanihekmat R & Najafizadeh S A, Mehregan N.(2020). Government Expenditure and Regional Growth in Iran (Spatial Econometrics Approach). *QJER* , 20 (4) ,157-175. 20.1001.1.17356768.1399.20.4.8.5 . (in Persian)
- Hansen, B.E. (1999). Threshold effects in non-dynamic panels: Estimation, testing, and inference. *Journal of Econometrics*, 93(2), 345-368. [https://DOI:10.1016/S0304-4076\(99\)00025-1](https://DOI:10.1016/S0304-4076(99)00025-1)
- Haririyan Tavakoli, Sh., Heidari, A.A.(2022). Investigating the Effect of Government Expenditure on Iran's Economic Growth. *Journal of Management and Accounting*. 80(8), 351-367. (in Persian)
- Harrod, R. (1939) *An Essay in Dynamic Theory*. *Economic Journal*, 49, 14-33.

<https://DOI:10.2307/2225181>

- Hariiryan Tavakoli, Sh., Heidari, A.A.(2022). Investigating the Effect of Government Expenditure on Iran's Economic Growth. *Journal of Management and Accounting*. 80(8), 351-367. (in Persian)
- Ho, T. L., & Nguyen, M. L. T. (2023). Nonlinear Effects of Corruption Control on Growth: A Threshold Model. *Montenegrin Journal of Economics*, 19(2), 119-128. <https://DOI:10.14254/1800-5845/2023.19-2.10>
- Hasanimoghadam, R., Farhang, A., Abounoori, A. & Mohammadpour, A. (2021). The effect of corruption control and economic policies on economic growth in the Middle East and North Africa (MENA). *Journal of Econometric Modelling*, 6(4), 61-91. [doi: 10.22075/jem.2021.24662.1643. (in Persian)]
- Hekmati Farid, S. , Ezzati Shoorgoli, A. , Ezzati, R. & Dehghani, A. (2015). The Impact of Globalization and the Control of Corruption on Economic Growth in Countries with Low Per Capita Income, Middle Per Capita Income and High Per Capita Income. *Economic Growth and Development Research*, 5(18), 112-95. (in Persian). 20.1001.1.22285954.1394.5.18.6.6. https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_1503.html?lang=en
- Hudson, T. (1983). Correspondences and numerical differences between disjoint sets. *Child development*, 84-90. <https://DOI:10.2307/1129864>
- Huntington, H. B. (1968). Driving forces for thermal mass transport. *Journal of Physics and Chemistry of Solids*, 29(9), 1641-1651. [https://DOI:10.1016/0022-3697\(68\)90106-6](https://DOI:10.1016/0022-3697(68)90106-6)
- International Monetary Fund (2023). Data. Retrieved from <https://www.imf.org/en/Data>
- Jones, L. E., & Manuelli, R. E. (1995). Growth and the effects of inflation. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 19(8), 1405-1428. [https://DOI:10.1016/0165-1889\(94\)00835-6](https://DOI:10.1016/0165-1889(94)00835-6)
- Kamali Dehkordi, P. , Nazari Zaniani, A. , Makiyan, S. N. & Dehghani, F. (2019). The Effect of the Different Kinds of Capital on Economic Growth of Selected Provinces of Iran. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 7(25), 66-85. <https://DOI:10.32598/JMSP.7.1.66>
- Leff, N. H. (1964). Economic development through bureaucratic corruption. *American Behavioral Scientist*, 8(3), 8-14. 303 <https://DOI:10.1177/000276426400800>
- Levy, N. (2007). *Neuroethics: Challenges for the 21st century*. Cambridge University Press . <https://DOI:10.1017/CBO9780511811890>
- MajdzadehTabatabaei, Sh. , Nematollahi, F. (2010). The Effect of Government Expenditure Growth on the Economic GrowthT Case Study: Economy of Iran. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 17(53), 25-44. (in Persian)
- Mankiw, N. G., Romer, D., & Weil, D. N. (1992). A contribution to the empirics of economic growth. *The quarterly journal of economics*, 107(2), 407-437. <https://DOI:10.2307/2118477>
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The quarterly journal of economics*, 110(3), 681-712. <https://DOI:10.2307/2946696>
- Mo, P. H. (2001). Corruption and economic growth. *Journal of Comparative Economics*, 29(1), 66-79. <https://DOI:10.1006/jcec.2000.1703>
- Nguyen, M. L. T., & Bui, N. T. (2022). Government expenditure and economic growth: does the role of corruption control matter? *Heliyon*, 8(10). <https://DOI:10.1016/j.heliyon.2022.e10822> [PMID] []

- Odhiambo, N.M., (2021). Health expenditure and economic growth in sub-Saharan Africa: an empirical investigation. *Development Studies Research* 8 (1), 73-81. <https://DOI:10.1080/21665095.2021.1892500>
- Ram, R., (1986). Government size and economic growth: a new framework and some evidence from cross-section and time-series data. *Am. Econ. Rev.* 76 (1), 191-203. <https://www.jstor.org/stable/1804136>
- Rock, M. T., & Bonnett, H. (2004). The comparative politics of corruption: accounting for the East Asian paradox in empirical studies of corruption, growth, and investment. *World Development*, 32(6), 999-1017. <https://DOI:10.1016/j.worlddev.2003.12.002>
- Sabahi, A. , Malekosadati S.(2010). Effects of Corruption Control on Economic Growth. *Journal of Trade Studies*.14(53). 131-158. (in Persian). 20.1001.1.17350794.1388.14.53.5.8. https://pajooreshnameh.itsr.ir/article_13719.html?lang=en
- Sadeghi, S.K., Tadayon, Sh. (2022). Investigating the Effect of Public Debt on Economic Growth in Selected Countries. *Islamic Economics & Banking*, 10(37), 45-68. (in Persian). <http://mieaoi.ir/article-1-1098-en.html>
- Seyedshokri, Kh., Karkhaneh, A. (2013). Investigating the Effect of Inflation on Economic Growth: The Study of the Selected Countries of the Islamic Conference Organization. *Journal of Economics Sciences*, 6(18), 139-150. (in Persian)
- Ricardo, David. (1951-73). *The Works and Correspondence of David Ricardo*. 11 vols. Edited by Piero Sraffa and M. Dobbs. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sidrauski, M. (1967). Rational choice and patterns of growth in a monetary economy. *The American Economic Review*, 57(2), 534-544.
- Solow, R. A. (1975). Neoclassical economics in perspective. *Journal of Economic Issues*, 9(4), 627-644. <https://DOI:10.1080/00213624.1975.11503316>
- Stockman, A. C. (1981). Effects of inflation on the pattern of international trade (No. w0713). National Bureau of Economic Research. <https://DOI:10.3386/w0713>
- Tobin, J. (1965). Money and economic growth. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 671-684. <https://DOI:10.2307/1910352>
- Uddin, I., & Rahman, K. U. (2023). Impact of corruption, unemployment, and inflation on economic growth evidence from developing countries. *Quality & Quantity*, 57(3), 2759-2779. <https://DOI:10.1007/s11135-022-01481-y>
- Wu, S.-Y., Tang, J.-H., Lin, E.S., (2010.) The impact of government expenditure on economic growth: how sensitive to the level of development? *J. Pol. Model.* 32 (6), 804-817. <https://DOI:10.1016/j.jpolmod.2010.05.011>
- توان، ربابه. (۱۳۹۴). اثر فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب MENA و OECD. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بجنورد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اقتصادی.
- رحمانی، ندا. (۱۳۹۳). تأثیر درآمدهای نفتی بر فساد دولتی در کشورهای صادرکننده نفت، پایان نامه دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد و مدیریت، گروه اقتصاد.
- روزبهان، محمود (۱۳۹۸)، مبانی توسعه اقتصادی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات تابان.

نحوه ارجاع به مقاله:

گهرام زهی، مریم؛ زمانیان، غلامرضا، و اسفندیاری، مرضیه (۱۴۰۳). بررسی نقش کنترل فساد در تأثیرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو اوپک). پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی، ۲۹(۳)، ۹۱-۱۲۰.

Gahramzehi, M., Zamanian, GH. & Esfandiari, M. (2024). The Role of Corruption Control in the Impact of Government Expenditure on Economic Growth (A Case Study: Selected OPEC Member Countries). *Economic and Planning Research*, 29(3). 91-120.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.29.3.91>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

